

موانع رسیدن به مودت اهل بیت چیست و چگونه بر سرنوشت ما تاثیر می‌گذارد؟

ریشه بی‌توجهی به اهل بیت چیست؛ چرا باید با موانع رسیدن به مودت اهل بیت مبارزه کرد؟

اکنون که با مفهوم مودت نسبت به اهل بیت آشنا شده، به تفاوت میان مفهوم مودت و محبت پی بردیم و آثار و خسارات ناشی از اشتباه گرفتن این دو مفهوم را بررسی کردیم، بد نیست که موانع رسیدن به مودت را نیز بشناسیم؛ موانعی که نه تنها با دور کردن ما از اصل و ریشه، مسیر رسیدن به شادی و آرامش حقیقی را برایمان دشوار کرده‌اند، بلکه ما را از رسیدن به سعادت و سلامتی که تنها از دریچه همراهی و تربیت متخصص معصوم برایمان حاصل می‌شود، محروم نموده‌اند؛ اگرچه شاید همان‌گونه که ما متوجه تفاوت عظیم مفهوم مودت با محبت نشده و سال‌ها و بلکه قرن‌ها خود را با خیال داشتن محبت نسبت به اهل بیت آرام کرده‌ایم، به راحتی از نقش موانعی که خیلی آرام در جان زندگی ما رسوخ کرده و ما را از منبع رحمانیت و رحیمیت و شباهت به الله محروم کرده‌اند نیز غافل شویم.

گاهی انس به شرایط، به مکان، به زمان و یا حتی به داشته‌ها و نداشته‌ها به قدری حجاب عادت را برای ما پررنگ و سنگین می‌کند که به سختی متوجه از دست دادن نعمت مربی و یا غفلت از هدف عظیمی که در پشت این عادت‌ها نهان است، می‌شویم. تا جایی که حقیقت انسانی خود را فراموش کرده و به دنیایی که بناست تنها محلی برای کسب ابزار و آماده‌سازی ما برای رسیدن به ابدیت باشد، نقش محوری می‌دهیم.

ما در این مقاله قصد داریم تا موانع رسیدن به مودت که زمینه بی‌توجهی، رها کردن و حتی از دست دادن متخصص معصومی را که سعادت دنیایی و ابدی ما به او گره خورده است، بررسی کرده و راهی برای بازگشت به آغوش خانواده آسمانی خود و مسیر درست حرکت پیدا کنیم.

طاغوت و استکبار؛ مانع رسیدن به مودت

در طول تاریخ شاهد حکمرانی طاغوت‌ها و فرمانروایان مستبدی بوده و هستیم که کامیابی و موفقیت خود را در گرو دور نگه داشتن انسان از حقیقت انسانی او دانسته و با ابزار فریب و سرکوب به دنبال ایجاد فاصله بین ما و خانواده آسمانی‌مان بوده‌اند. زیرا طبیعتاً در دنیایی که رحمانیت، عدالت، شادی و آرامش حرف اول را می‌زند، جایی برای خودکامگی و استبداد حاکمان و به بند کشیدن انسان‌ها باقی نمی‌ماند. از همین رو بهترین ترفند برای ادامه این استبداد، تلاش برای انحراف ما از اصل و حقیقت خود و قطع کردن پیوندی است که می‌تواند ما را متوجه هدف و غایت نهایی‌مان کند. این نقش را چه فرمانروایان مستبدی که حقیقت را از مردم پنهان کرده و چه جریان‌های فرهنگی امروزی که جوانان را مشغول به ظواهر زندگی کرده‌اند، ایفا نموده‌اند؛ که در نتیجه آن بسیاری از ما با وجود قرار گرفتن در معرض آموزه‌های دینی، هنوز با خود جاودانه‌مان بیگانه‌ایم؛ زیرا از پیوند با کسی که می‌تواند باعث سعادت ما و رسیدن ما به هدف خلقتمان شود، غافل مانده‌ایم.

به همین دلیل است که علی‌رغم زندگی در جامعه‌ای مذهبی، هنوز احساس خلأ داشته و از شادی و آرامش برخوردار نیستیم. در حقیقت گمشده‌ای داریم که فقدانش را احساس می‌کنیم، اما به دلیل انس با دنیا و سرگرم شدن با نیازها و کمالات بخش‌های طبیعی و پایینی خود حتی قادر به تشخیص آن نیستیم؛ در واقع با جدا شدن از خود حقیقی و خانواده آسمانی‌مان دچار غربتی درونی شده و تنها به کمال‌های محدود و زودگذری مثل لذت‌های حسی، رشد گیاهی، بقا و رفاه حیوانی یا نهایتاً پیشرفت عقلی بسنده کرده‌ایم؛ در حالی که نتیجه دورافتادگی از الگو، راهنما و خانواده حقیقی‌مان به سادگی جبران‌پذیر نبوده و در حقیقت فرصت رشد بی‌نهایت را از ما گرفته است. این خسارت حاصل تن دادن به حاکمیت استکبار و بی‌تفاوتی نسبت به حکمرانی طاغوت‌هایی بوده که رشد و بقای خود را در سایه جدایی ما از معصوم دیده‌اند.

جهل و ناآگاهی؛ موانع رسیدن به مودت

معمولا جهل و ناآگاهی در امور مادی و دنیایی به سرعت اثرات خود را در زندگی ما نمایان می‌کند؛ گرفتن مدرک یا انتخاب شغلی که تاثیری در رشد، برطرف کردن نیازها یا رسیدن ما به آرامش نداشته باشد؛ انتخاب محلی برای زندگی که منجر به ایجاد تنش یا نابه‌سامانی‌های ریز و درشت در زندگی‌مان شود و یا ازدواج ناآگاهانه‌ای که به جای آرامش بخشی باعث سلب آرامش ما شود، همگی دیر یا زود اثر خود را مشخص می‌کنند.

ما ضربه‌ها و خسارات ناشی از جهالت خود در هرکدام از این موارد را می‌بینیم، اما از ضربه‌های جبران‌ناپذیری که در اثر بی‌اطلاعی از خود حقیقی و هدف خلقتمان بر ما وارد می‌شود، غافلیم. درست مانند کسی که متوجه کوچکترین ایرادات وسیله نقلیه خود بوده، اما به دلیل ناآگاهی در جاده‌ای در حال حرکت است که به جای نزدیک شدن به مقصد، او را لحظه به لحظه از مقصد دورتر می‌کند.

هنگامی که رسیدن ما به هدف خلقت و شباهت با الله تنها درگرو داشتن ارتباطی موثر و کارآمد با معصوم تعریف می‌شود، قطع یا عدم وجود این ارتباط قطعا منجر به سردرگمی و گیجی ما در مسیر خواهد شد؛ در واقع با فراموشی پیوند خود با اهل بیت، در بهترین حالت درگیر عقلانیت محدود دنیایی می‌شویم؛ غافل از اینکه عقلانیتی که از سرچشمه خود فاصله گرفته و اتصالی به منشاء بی‌نهایت خود ندارد، تنها مانند چراغی است که فقط چند قدم جلوتر را نشان داده و نمی‌تواند مسیر واقعی زندگی را برایمان روشن کند.

در نتیجه، این جهل نه تنها ما را از تولدی سالم به ابدیت باز می‌دارد، بلکه منجر به نادیده گرفتن فداکاری‌هایی خواهد شد که اهل بیت برای رساندن ما به حقیقت دین، سبک زندگی انسانی و ابدیتی که پیش رو داریم، انجام داده‌اند.

دنیاطلبی عامل نرسیدن به مودت امام

هر یک از مواردی که تاکنون به آن پرداخته‌ایم، سهمی در نرسیدن ما به جایگاه یاری اهل بیت ایفا کرده و از موانع رسیدن به مودت به شمار می‌روند؛ البته از بین عوامل گوناگون شاید بتوان نقش سرگرم شدن با دنیا و پرداختن به لذات و جاذبه‌های چشم‌کزن آن را بیشتر یا پررنگ‌تر از سایر موانع رسیدن به مودت دانست.

طبیعتاً رسیدن به هر چیز ارزشمندی بهای خود را دارد و حالا سوال اینجاست که آیا عاملی مهم‌تر از انسان و هدفی مهم‌تر از رسیدن او به سعادت در این دنیا وجود دارد؟ نکته اینجاست که کلید رسیدن به این سعادت تنها در دستان کسی است که نه تنها به ما، ساختار وجودی‌مان، هدفی که برایمان در نظر گرفته شده و مسیر این حرکت آگاه است، بلکه الگوی تمام‌نمایی از الله یا کمال مطلق است. اما فهم و درک ما از اهمیت پیوند و ارتباط با معصوم در قدم اول مستلزم شناخت درست ما از حقیقت خودمان و عدم فراموشی اصل و منشائی است که وجود ما از آن گرفته شده.

متأسفانه [انس به دنیا](#)، عادت به لذات چرب و شیرین آن، لقمه حرام و عدم کنترل ورودی‌های نفس، ذائقه بی‌نهایت طلب ما را تغییر داده و ما را درگیر سطحی‌ترین و پایین‌ترین نیازها کرده است؛ که در نتیجه آن به جای پرواز، به خزیدن در خاک خواسته‌ها و مطامع دنیایی رضایت داده‌ایم؛ در واقع پرداختن به شهوات و کمالات پایینی ما را به قدری مشغول به خود کرده که از لذت داشتن معصوم محروم شده، خسارت ناشی از نبود او را درک نمی‌کنیم و حاضر به پرداختن بهای یاری او نیستیم؛ در حالی که رهایی ما در گرو بازگشت به نگاه ابدی و پیوند دوباره با اهل بیت (علیهم‌السلام) تعریف می‌شود.

زمانی که می‌فهمیم حقیقت ما محدود به جسم و خواسته‌های مادی نیست، افق زندگی‌مان تغییر کرده و خود را در تراز هدفی که برای آن خلق شده‌ایم، می‌بینیم. این نگاه، به رنج‌های ما معنا و به تلاش‌های ما جهت می‌بخشد و ما را به معامله‌ای می‌کشانند که سود آن هم در دنیا و هم در آخرت آشکار است و نه تنها

موجب نجات ما بلکه موجب نجات بشریت خواهد شد؛ زیرا در این صورت مقدمه‌ساز آمدن کسی خواهیم شد که با رحمانیت فراگیر خود همه ابعاد وجودی ما را از پایین‌ترین سطوح بیرون کشیده و به عالی‌ترین مراتب می‌رساند؛ در حقیقت زمانی که رسیدن به سعادت ابدی در سایه پیوند با متخصص معصوم و پیروی از آموزه‌ها و انجام تمرینات مربی رقم می‌خورد، هر آنچه مانع رسیدن ما به معصوم گردد، برای ما حکم جهنم را خواهد داشت.

ما در این درس به بررسی موانع رسیدن به مودت پرداخته و گفتیم همان‌گونه که طاغوت‌ها و مستکبران مانع آگاهی ما از حقیقت وجودمان می‌شوند، جهل و دل‌بستگی به دنیا و خواسته‌های آن نیز نقش پررنگی در عدم فهم رابطه ما با امام و اهمیت یاری کردن او بازی کرده و از همین رو از موانع رسیدن به مودت اهل بیت (علیهم‌السلام) محسوب می‌شوند.